

An Inquiry into the Mutual Guardianship (Wilāyah) of Believers over One Another in Preserving Muslim Unity, with an Emphasis on (Al-Anfāl: 72–75)

Mahbubeh Mirzaei

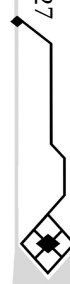
Graduate of Level 4 (Advanced Seminary Level) in Comparative Exegesis,
Al-Mustafa International University, Isfahan.

Email: Mahboob41491@gmail.com

Abstract

The principle of the covenant of brotherhood and the guardianship (wilāyah) of believers over one another is the origin of forming a united Islamic community. One of the Qur'anic concepts that has caused disagreement among exegetes is the word "wilāyah" (guardianship) of believers over one another. Some commentators have interpreted wilāyah as absolute (unrestricted), while others have considered it as wilāyah of inheritance (tawāruth). From the Qur'anic perspective, wilāyah is not confined to inheritance; rather, it has a broader scope, including wilāyah of inheritance, support, fraternization (mu'ākhāt), security, and the like. The common effect of these aspects is that, while leading to a faith-based community, it also brings about unity, cohesion, and mutual assistance among believers. Part of it pertains to financial matters that have an inheritance dimension, and part pertains to non-financial matters, including worship, intellectual, and behavioral spheres. This research, using an analytical method and relying on exegetical works and the context (siyāq) of the verses, seeks to present the sound opinion. The findings of the study indicate that proving inheritance (tawāruth) does not prevent proving other instances of absolute wilāyah of believers over one another; likewise, the unity of believers in today's world is the key to building a powerful religious front.

Keywords: Guardianship of Believers, Religious Front, Faith-Based Cohesion, Religious Lifestyle.



استقصاء في ولاية المؤمنين بعضهم على بعض في حفظ وحدة المسلمين مع التركيز على (الأنفال: ٧٢-٧٥)

محبوبة ميرزائي

خريجة المستوى الرابع في التفسير المقارن، جامعة المصطفى العالمية، أصفهان.

Mahboob41491@gmail.com

مستخلص

مبدأ عهد الأخوة والولاية بين المؤمنين بعضهم على بعض هو منشأ تشكيل المجتمع الإسلامي الموحد. ومن المفاهيم القرآنية التي أحدثت خلافاً بين المفسرين كلمة "الولاية" بين المؤمنين. فقد فسّر بعض المفسرين الولاية على أنها مطلقة، في حين فسّرها آخرون بأنها ولاية التوارث. ومن منظور القرآن، فإن الولاية ليست محصورة في التوارث، بل لها نطاق أوسع يشمل ولاية الميراث، والنصر، والمؤاخاة، والأمن، وما شابه ذلك. والأثر المشترك لهذه الأمور، مع أنه يؤدي إلى نشوء مجتمع إيماني، فإنه يحقق أيضاً اتحاد المؤمنين وتلاحمهم وتعاونهم. فجزء منها يتعلق بالمسائل المالية ذات البعد الإثري، وجزء آخر يتعلق بالمسائل غير المالية، كالمجال العبادي والفكري والسلوكي. يسعى هذا البحث، بمنهج تحليلي، وبالاستناد إلى كتب التفسير وسياق الآيات، إلى تقديم القول الراجح. وتُظهر نتائج البحث أن إثبات التوارث لا يشكّل مانعاً من إثبات سائر مصاديق الولاية المطلقة بين المؤمنين؛ كما أن اتحاد المؤمنين في عالم اليوم هو مفتاح بناء جبهة دينية قوية.

الكلمات المفتاحية: ولاية المؤمنين، الجبهة الدينية، التلاحم الإيماني، نمط الحياة الديني.

کنکاش ولایت مؤمنان بر یکدیگر در حفظ اتحاد مسلمان با تاکید بر (انفال/۷۲، ۷۵)

محبوبه میرزایی

دانش‌آموخته سطح ۴، تفسیر تطبیقی، جامعه المصطفی العالمیه، اصفهان.

Mahboob41491@gmail.com

چکیده

اصل پیمان برادری و ولایت مؤمنان بر یکدیگر، منشأ تشکیل جامعه متحد اسلامی است، یکی از مفاهیم قرآنی که بین مفسران اختلاف ایجاد کرده، کلمه ولایت مؤمنان بر یکدیگر است. برخی از مفسران ولایت را مطلقه و برخی ولایت توارث دانسته‌اند. از نظر قرآن ولایت، منحصر در توارث نیست؛ بلکه گستره بیشتری اعم از ولایت میراث، نصرت، مؤاخات، امنیت و مانند آن دارد. اثر مشترک این موارد ضمن آن که منجر به جامعه ایمانی می‌شود، اتحاد، همگرایی و همیاری مؤمنان نیز شکل می‌گیرد. بخشی در مسائل مالی که جنبه ارث دارد و بخشی در غیرمالی اعم از فضای عبادی، فکری و رفتاری است. این پژوهش با روش تحلیلی، با استناد به کتب تفسیری و سیاق آیات درصدد است تا قول متقن را ارائه نماید. یافته‌های تحقیق نمایانگر این است که اثبات توارث، مانعی برای اثبات سایر مصادیق ولایت مطلقه مؤمنان بر یکدیگر نیست؛ همچنین اتحاد مؤمنان در دنیای امروز کلید ساختن یک جبهه دینی قدرتمند است.

کلیدواژه‌ها: ولایت مؤمنان، جبهه دینی، همگرایی ایمانی، سبک زندگی دینی.

مقدمه

جامعه اسلامی نیازمند اتحاد مؤمنان در راستای تحقق اقتدار جبهه دینی است. این حقیقت نه تنها از آیات مختلف قرآن به دست می‌آید؛ بلکه عقل روشن بر آن تأکید دارد. جمله «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» قانونی را در بین مسلمانان مؤمن تشریع می‌کند و نسبتی را برقرار می‌سازد که آثار شرعی و حقوقی قانونی نیز دارد؛ از جمله آثار شرعی جامعه ایمانی، ولایت مؤمنان بر یکدیگر است؛

طراحی و آثار همگرایی در تقویت جامعه ایمانی، نیازمند تأمل در آیات قرآن است. در بین آیات قرآنی که به این موضوع توجه شده است و مفسران پیرامون آن گفتگوهای چندی را ابراز کرده‌اند، آیات (انفال / ۷۵، ۷۲) است. در رابطه با فضای آیه سخنان مختلفی وجود دارد. برخی از مفسران ولایت در جمله «أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ؛ انفال / ۷۲» را ولایت مطلقه و برخی ولایت توارث دانسته‌اند بنا بر ولایت مطلقه، جمله «أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ؛ انفال / ۷۵» تأکید می‌کند که خویشاوندان مسلمان، افزون بر ولایت ایمان، ولایت خویشاوندی و توارث نیز دارند؛ اما بنا بر ولایت ارث، جمله مذکور، ناسخ حکم جماعتی است که به سبب مهاجرت و پیمان برادری، میراث گرفتند.

اکنون این سؤال مطرح است که کدام یک از این دو نظریه می‌تواند روح حاکم بر آیات و هدف شارع از تشریع آیات را به دنبال داشته باشد؟ آیا فقط موضوع توارث در حیطه خویشاوندان به این هدف قرآنی کمک می‌کند یا دایره بزرگ‌تر از ارث و نگاه به سایر مصادیق موجب اتحاد مؤمنان در راستای تحقق اقتدار جبهه

دینی می‌شود. در پیشینه پژوهش در رابطه با موضوع مورد بحث تحقیقاتی صورت گرفته است. مفسران فریقین، آیات مذکور را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این پژوهش با استناد به کتب تفسیری و تحلیل تمامی آرای مفسران و تحلیل انتقادی در رابطه با موضوع مورد بحث، در صدد اثبات این است که کدام یک از این دو نظریه در تقویت جامعه ایمانی نقش آفرین است.

۱. واکاوی ولایت مومنان در تفسیر فریقین

یکی از انواع قرابت و خویشاوندی عبارت از «حقیقی و طبیعی است که دو فرد از بشر یا بدون واسطه و یا با واسطه منتهی به پشت یک پدر و یا رحم یک مادر یا هر دو شوند. یکی دیگر از نسبت‌ها اعتباری و قراردادی است تا به خاطر مصلحتی، آثار خاص نسبت‌های حقیقی و طبیعی بر آن‌ها مترتب شود؛ اگر مصلحت اقتضا کرد، همه آثار حقیقی بر امور اعتباری مترتب می‌شود و اگر اقتضا کرد، بعضی از آن آثار مترتب می‌شود.» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۳۱۶ از منظر قرآن در جمله «انفال / ۷۲» هر دو نوع خانواده بر یکدیگر ولایت دارند؛ گرچه در توارث باهم اختلاف دارند.

۱. ۱. برخی از ادیبان و مفسران با توجه به «مطلق بودن ولایت» (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۱۷۶) در جمله **أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ** بر این باورند که «ولایت بین مهاجران و انصار، ولایت معنایی اعم از ولایت میراث، نصرت و امنیت و مانند آن است؛ بنابراین همه مسلمانان نسبت به یکدیگر ولایت دارند.»

(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۱۴۳) در جمله مذکور سخن از ولایت و اولویت عمومی مسلمانان نسبت به یکدیگر بود. جمله **أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ** تأکید می‌کند که این «ولایت و اولویت در مورد خویشاوندان به صورت قوی‌تر و جامع‌تری است؛ زیرا خویشاوندان مسلمان افزون بر ولایت ایمان، ولایت خویشاوندی نیز دارند. به همین جهت آن‌ها از یکدیگر ارث می‌برند، حتی اگر هجرت نکرده باشند»؛ (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۳، ص ۲۸۱) بنابراین جمله اخیر نه تنها «اختصاص به ارث ندارد»؛ (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۸۸؛ علم‌الهدی، ۱۴۳۱ق، ج ۲، ص ۲۹۸) بلکه «برای دفع توهم ولایت میراث، در **أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ** است تا بفهماند ولایت مذکور، ولایت مطلقه از جمله نصرت، محبت و تعظیم است» (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۵، ص ۵۲۰) و «غیرخویشاوندان از یکدیگر ارث نمی‌برند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۵۹) حتی «اگر مهاجر و انصار باشند که میان ایشان پیمان برادری باشد.» (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳۸۴-۳۸۱).

۲. برخی از ادیبان و مفسران با استناد به روایات ذیل آیه (انفال / ۷۲)، از جمله روایت «رسول خدا ﷺ میان اصحابش عقد اخوت برقرار نمود و بعضی از ایشان از بعضی دیگر ارث بردند تا آنکه آیه **أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ** نازل شد و از آن به بعد این نوع ارث بردن را ترك کردند و تنها به ملاك نسب از یکدیگر ارث می‌بردند» براین باورند که معنای ولایت بین مهاجران و انصار، «تنها ولایت بر ارث است؛ یعنی پیمان برادری و پیمان توارث با یکدیگر سبب می‌شود که هر يك

وارث دیگری باشد و وارث مسلمان غیر مهاجر، هریک بی بهره از ارث خواهد بود»؛ (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۲۹؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۳، ص ۲۸۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۰۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۳۴؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۴۲۱) بنابراین جمله مذکور «ناسخ حکم جماعتی است که به سبب مهاجرت، نصرت و پیمان برادری، میراث گرفتند»؛ (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۴۰؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۴؛ خازن، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۳۱؛ حقی برسوی، بی تا، ج ۳، ص ۳۷۷؛ شبر، ۱۴۱۰ق، ص ۱۹۸؛ رسعنی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۴۸۲؛ نسفی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۶۴) یعنی «هرکسی که در نسب نزدیک تر به میت است، اولی به ارث هست». (بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۳۱۳؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳۸۴-۳۸۱).

۲. بررسی اقوال مفسران

اقوال برخی از مفسران مبنی بر اینکه جمله **أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ**، ناسخ حکم جماعتی است که به سبب مهاجرت، نصرت و پیمان برادری، میراث گرفتند، از چند جهت قابل تأمل است؛ نه تنها به سیاق توجه نداشته اند؛ بلکه قواعد مطلق و مقید و ناسخ و منسوخ را لحاظ ننموده اند.

۲.۱. قرینه متصل (سیاق)

در ادبیات عرب روابط هم نشینی و تأثیرپذیری از آیات یا واژگان پیش از خود امری بدیهی است. با استمداد از سیاق به دست آمد مجموعه آیات مذکور



(انفال / ۷۵. ۷۲) به یک معنا اشاره دارد که در آن موالات میان مؤمنان را واجب نموده است. آیه شریفه «انفال / ۷۲» در بیان «ارجمندی و عظمت شأن مهاجران و انصار است که اولین بار در نشر دعوت دین اسلام، پیامبرگرامی را یاری نموده‌اند» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۴۲۱) و بر یکدیگر ولایت دارند. آیه «انفال / ۷۳» گویای «ولایت کافران در میان خودشان است و به اهل ایمان تجاوز نمی‌کند»؛ (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۴۱۸) آیه «انفال / ۷۴» در مقام مدح مهاجران و انصار است؛ در واقع «کسی که حقیقتاً متصف به آثار ایمان باشد را وعده آمرزش و رزق کریم می‌دهد.» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۱۴۵) آیه «انفال / ۷۵» «مهاجران بعدی و آن‌هایی را که بعد از این ایمان می‌آورند و با طبقه اول به جهاد می‌پردازند را به مهاجران طبقه اول و انصار ملحق کرده و در مسئله ولایت، شرکت داده است.» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۱۴۶) جمله «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ...» انفال / ۷۵ افزون بر ولایت مطلقه، راجع به ولایت ارث نیز است که خداوند آن را منحصر در میان ارحام و خویشاوندان تشریع می‌کند.

۲.۲. مطلق و مقید

هرگاه «در جمله، به ذکر مسندالیه و مسند، اکتفا شود، حکم در آن جمله، مطلق است؛ اما زمانی که بر مسندالیه و مسند چیزی بیفزاییم که به هردوی آن‌ها یا یکی از آن‌ها وابسته است؛ در این صورت، حکم، مقید می‌شود» (الهاشمی،

۱۴۲۵ق، ص ۱۳۱). جمله **أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ** از «محکمت قران» (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۱۶۵) و به صورت «یک قید اطلاق» (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۱۷۶) یا استثنا از ولایت مطلقه ای است که درآیات گذشته برای عموم مهاجران و انصار بیان شده است؛ یعنی افزون براین که ولایت عمومی مسلمانان نسبت به یکدیگر شامل ارث نمی شود، فقط خویشاوندان از یکدیگر ارث می برند.

۲.۳. ناسخ و منسوخ

جمله **أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ** نمایانگر ولایت مطلقه است؛ زیرا «هیچ قرینه ای دلالت نمی کند بر ولایت ارثی که رسول خدا ﷺ به وسیله عقد برداری میان مهاجران و انصار اجرا می کرد و تا مدتی از یکدیگر ارث می بردند تا آنکه به واسطه **أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ** نسخ شده باشد»؛ (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۱۴۶) افزون براین «نسخ برداشتن حکم سابق که مدتی به آن عمل شده است و تشریع حکم لاحق است»؛ معرفت، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۷۵. درحالی که «ارتباط مفهومی و پیوستگی آیات (۷۵- ۷۲) با یکدیگر از نظر معنوی و حتی شباهت لفظی، نشان می دهد که همه باهم نازل شده است»؛ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۵۹) همچنین «رفع حکم از بعضی افراد موضوع عام، نسخ اصطلاحی نیست؛ زیرا تشریع سابق به طور کلی رفع نشده است، فقط به سایر افراد اختصاص پیدا کرده است» (معرفت، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۷۵).



۳. قدرت اتحاد مؤمنان در سایه فکر، عمل و عبادت

قرآن کریم به دلیل «جاودانگی و جهان‌شمولی دارای ویژگی‌هایی است که فراتر از زمان و مکان است. این ویژگی‌ها از طریق الغاء خصوصیت در آیات به دست می‌آید»؛ (مسعودی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۶۸-۶۶) یعنی آیاتی که ابتدا برای شرایط خاصی نازل شده‌اند با برداشت کلی به قوانین جهانی و همیشگی تبدیل می‌شوند؛ گرچه آیات (انفال / ۷۵-۷۲) درباره مهاجرین و انصار نازل شده است؛ اما با الغاء خصوصیت برای تمام بشریت، در هر عصری قابل استفاده است؛ از این رو آیات مذکور منطبق با جامعه کنونی است.

اتحاد مؤمنان در دنیای امروز نه تنها در برابر تهاجمات فرهنگی مقاومت می‌کند؛ بلکه کلید ساختن یک جبهه دینی قدرتمند است. این اتحاد با شعار محقق نمی‌شود؛ بلکه حاصل هم‌افزایی سه رکن، عبادی، فکری و رفتاری است. هرگاه این ابعاد در کنار هم قرار گیرند نه تنها دیوارهای انزوا و شبهات فرومی‌ریزد، بلکه جامعه‌ای پویا شکل می‌گیرد که در آن هر مؤمن به عنوان یک سرباز آگاه و عمل‌گرا نقش‌آفرین است.

۳.۱. قدرت اتحاد در سایه عبادت

عبادت یک عامل همبستگی ساز، فراتر از یک عمل فردی، نقش کلیدی در شکل‌دهی به اتحاد معنوی را ایفا می‌کند. آیین‌های مشترک عبادی با ایجاد خاطره جمعی و تقویت هویت گروهی نه تنها مرزهای فردی را کمرنگ می‌کند؛ بلکه حس تعلق عمیق‌تری را در میان مؤمنان ایجاد می‌کند. از جمله مصادیق آن

نماز جماعت، حج، زیارت به عنوان کانون‌های وحدت و مانند آن، الگویی زنده در برابر تفرقه‌های فرقه‌ای و قومی است.

۳. ۲. قدرت اتحاد در سایه رفتار

اتحاد مؤمنان، در سایه رفتاریک پدیده اجتماعی است که بر همدلی شناختی - احساسی، مداخله عملی و الگوسازی رفتاری استوار است. همدلی ضمن آن که زیربنای اعتماد است انسجام عاطفی را تقویت می‌کند. کمک عملی ضمن آن که پیوندهای عاطفی را به سرمایه اجتماعی تبدیل می‌کند، تاب‌آوری جمعی را در مقابل بحران‌ها ارتقا می‌بخشد. در نهایت الگوسازی برای انتقال هنجارها، رفتارهای مطلوب را نهادینه می‌کند که در آن همبستگی یک ارزش اخلاقی است. از جمله مصادیق آن در فضای جنگ رمضان، راهپیمایی و حضور شبانه مردم در میدان‌ها است.

۳. ۳. قدرت اتحاد در سایه فکر

از جمله مصادیق فضای فکری: جهاد تبیین، رفع شبهات، تولید اندیشه جمعی، مقابله با تشکیلات فکری و انسجام فکری است. جهاد تبیین مهم‌ترین نقش را دارد؛ زیرا ضمن آن که با زبان روز، با استدلال منطقی و بدون توهین، شبهات را خنثی می‌کند؛ در تولید اندیشه جمعی و انسجام فکری مؤثر است. جهاد تبیین صدای رسای جامعه ایمانی و پل ارتباطی برای پیوند فکر، رفتار و عبادت است. جهاد تبیین وظیفه یک نفر نیست؛ بلکه وظیفه جمعی و سلاح



اتحاد در میدان آگاهی است که نه تنها فکر را به عمل تبدیل می‌کند؛ بلکه رفتار را به الگو و عبادت را به تأثیر اجتماعی تبدیل می‌کند.

نتیجه گیری

آنچه در این جستار به دست آمد:

(۱) به نظر می‌رسد با توجه به عدم قید در **أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ** و ارتباط مفهومی و پیوستگی آیات (۷۵. ۷۲) با یکدیگر از نظر معنوی و شباهت لفظی، ولایت مؤمنان بر یکدیگر اعم از ولایت میراث، نصرت، امنیت و مانند آن است؛ زیرا افزون بر اتحاد مؤمنان، یک جبهه دینی قدرتمند تشکیل می‌شود.

(۲) قرآن کریم به دلیل جاودانگی و جهان شمولی، با الغاء خصوصیت آیات و برداشت حکم کلی، برای تمام بشریت در هر عصری قابل استفاده است؛ بنابراین ولایت مؤمنان بر یکدیگر در آیات (انفال / ۷۵. ۷۲) منطبق با جامعه کنونی است؛ همچنین اتحاد مؤمنان در دنیای امروز حاصل هم‌افزایی سه رکن، عبادی، فکری و رفتاری است. هرگاه این ابعاد در کنار هم قرار گیرند نه تنها دیوارهای انزوا و شباهت فرومی‌ریزد، بلکه جامعه‌ای پویا شکل می‌گیرد که در آن هر مؤمن به عنوان یک سرباز آگاه و عمل‌گرا نقش‌آفرین است.

منابع و مآخذ

* قرآن کریم.

منابع عربی

۱. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق). زاد المسیر فی علم التفسیر. بیروت: دارالکتب العربی.
۲. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر). بیروت: دارالکتب العلمیة.
۴. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۵. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق). تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی (بی تا). تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر.
۷. خازن، علی بن محمد (۱۴۱۵ق). تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالشامیة.



۹. رسعنی، عبدالرزاق بن رزق الله (۱۴۲۹ق). رموز الكنوز فی تفسیر الكتاب العزیز. مکه مکرمه: مکتبه الأسدی.
۱۰. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأفاویل فی وجوه التأویل. بیروت: دار الكتاب العربی.
۱۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق). الدر المثنور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
۱۲. شبر، عبدالله، تفسیر القرآن الکریم (شبر) (۱۴۱۰ق). قم: موسسه دارالهجره.
۱۳. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه.
۱۴. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م). التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی). اردن: دارالکتاب الثقافی.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق). تفسیر جوامع الجامع. قم: مرکز مدیریت.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۷. علم الهدی، علی بن الحسین (۱۴۳۱ق). تفسیر الشریف المرتضی المسمی ب: نفائس التأویل. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۸. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۱۹. مراغی، احمد مصطفی (بی تا). تفسیر المراغی. بیروت: دارالفکر.
۲۰. معرفت، محمد هادی (۱۳۹۱). تلخیص التمهید. قم: التمهید.
۲۱. نسفی، عبدالله بن احمد (۱۴۱۶ق). تفسیر النسفی مدارک التنزیل و حقایق التاویل. بیروت: دارالتفائس.
۲۲. الهاشمی، احمد (۱۴۲۵ق). جواهر البلاغه فی المعانی و البیان و البدیع. بی جا: اسماعیلیان.
- منابع فارسی
۲۳. حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴ق). انوار درخشان. تهران: نشر کتاب فروشی لطفی.
۲۴. شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳). تفسیر اثنی عشری. تهران: میقات.
۲۵. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۹۹). تفسیر روایی جامع. قم: سازمان چاپ و نشر دارالحديث.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامية.